

اصل علنی بودن دادرسی مدنی

سیروس حیدری*

حمید حمیدیان**

چکیده

اصل علنی بودن دادرسی از جمله اصول بنیادین حاکم بر انواع دادرسی‌هاست که در زمره حقوق بشر قلمداد شده و یکی از مؤلفه‌های مهم در تحقق دادرسی منصفانه به شمار می‌رود. هرچند در امور کیفری، به اصل علنی بودن دادرسی و مسائل مرتبط با آن تا حد قابل‌ملاحظه‌ای پرداخته شده لیکن ضرورت رعایت این اصل در امور مدنی، چندان مورد توجه واقع نشده و قانون‌گذار آیین دادرسی مدنی نیز موضوع را مسکوت گذاشته است، لذا هدف این مقاله تجزیه و تحلیل اصل علنی بودن دادرسی در امور مدنی است. شاید در بادی امر، علنی بودن دادرسی مدنی، امری خیالی و غیرضروری به نظر آید لیکن اهمیت اصولی که در فقدان علنی بودن دادرسی ممکن است در معرض آسیب قرار گیرند و ثمرات متعدد ناشی از اجرای اصل، برای توجیه ضرورت علنی بودن دادرسی مدنی کافی به نظر می‌رسد. لذا سوال اصلی این پژوهش این است که جایگاه این اصل از منظر قانونی در روند دادرسی مدنی چیست و چه ضمانت اجرایی دارد؟ به نظر می‌رسد از حیث ضمانت اجرا، عدم رعایت مفاد اصل علنی بودن دادرسی را می‌توان در زمره تخلفات انتظامی قضات برشمرد، لیکن در اینکه آیا نقض چنین اصلی می‌تواند به تنهایی موجب نقض رأی دادگاه در مراجع عالی شود، تردید وجود دارد. در حقوق فرانسه، عدم رعایت اصل علنی بودن دادرسی مشروط به اینکه تا قبل از ختم مذاکرات طرفین از سوی اصحاب دعوا به عنوان ایراد مطرح شده باشد و در مرحله تجدیدنظر یا فرجام نیز مورد استناد قرار گیرد، موجب نقض رأی در مراجع بالاتر خواهد شد. در حقوق ایران، سکوت قانون‌گذار راجع به اصل علنی بودن در

* استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

heidaris@shirazu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران و مدرس دانشگاه حکیم

h.hamidian69@yahoo.com

سیزواری، (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۶

دادرسی مدنی و ضمانت اجرای آن، پذیرش ایده مزبور را با تردید مواجه می‌سازد، هرچند که راه‌حل اتخاذ شده در حقوق فرانسه مطلوب به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: اصل علنی بودن دادرسی، دادرسی مدنی، دادرسی منصفانه، شفافیت قضایی.

سرآغاز

دادرسی علنی و شفاف، از گذشته تا به حال مورد تأکید سیستم‌های مختلف حقوقی بوده است. امروزه یکی از مؤلفه‌های اصلی تحقق دادرسی منصفانه، علنی بودن دادرسی است و رعایت این اصل در صیانت از حقوق اصحاب دعوا و حفظ بی‌طرفی دادرسی تأثیر اساسی دارد. نظارت بر سیستم قضایی توسط عموم مردم، عاملی برای پیشگیری از تخلفات و فساد قضایی است و موجب تسریع در رسیدگی به پرونده‌های قضایی نیز خواهد شد. شفافیت قضایی و نظارت مردم بر فرایند دادرسی می‌تواند عاملی بازدارنده از فساد و اشتباهات قضایی و همچنین، عاملی برای افزایش آگاهی عمومی و مانعی در راه اعمال سلیقه شخصی در رسیدگی قضایی باشد. اصل علنی بودن دادرسی در تمام سیستم‌های حقوقی و نیز در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است (Kojima, ۱۹۹۰:۱۲۲۶). در امور کیفری، این اصل اهمیت بیشتری پیدا کرده و مطالعات مبسوطی راجع به آن صورت گرفته است، لیکن بررسی موضوع در امور مدنی مغفول واقع شده و تاکنون بررسی پژوهشی بر این موضوع صورت نگرفته است. از طرفی قانون جدید آیین دادرسی مدنی نیز در این خصوص سکوت اختیار کرده است. لذا بایستی با مذاقه دقیق و بررسی تطبیقی مشخص شود محدوده، مبانی، آثار و ضمانت اجرای این اصل در دادرسی مدنی چیست؟ در قوانین بسیاری کشورها از قبیل فرانسه و همچنین، اسناد بین‌المللی نظیر اصول آیین دادرسی مدنی فراملی و اسناد مهم حقوق بشر، به لزوم رعایت اصل علنی بودن دادرسی در امور مدنی و کیفری توأمان تصریح شده است. در تحقیق حاضر، ابتدا به بررسی مفهوم و مبانی اصل علنی بودن دادرسی توجه می‌شود و سپس به آثار، استثنائات و ضمانت اجرای آن در امور مدنی از منظر حقوق ایران، فرانسه و اسناد مهم بین‌المللی پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم اصل علنی بودن دادرسی

علنی در لغت، مأخوذ از عربی علن و علن به معنی آشکارا و هویدا است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۰۶۴) و در فرهنگ واژگان فارسی، علنی از مصدر علن به معنای آشکار کردن، پیدا کردن، آشکار شدن، آشکار، هویدا و ظاهر، بیان شده است (معین، ۱۳۸۸: ۱۰۱۲). در اصطلاح حقوقی، علنی بودن دادرسی «یعنی آزاد بودن ورود و خروج مردمان به جلسه دادرسی تا بتوانند از جریان آن آگاه شوند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۶۳۶). این مفهوم در ادبیات لاتین با عبارت «Public Hearing» شناخته می‌شود و در معنای اولیه، یک مرحله رسیدگی قضایی است که حضور در آن برای عموم آزاد است و در این مرحله، تصمیم‌گیری در ارتباط با امور موضوعی و حکمی بر اساس گواهی شهود صورت می‌گیرد. همچنین، عنوان Open Court Principle به معنی «مرحله‌ای از دادرسی است که در آن، شواهد به صورت علنی استماع می‌شود و تضمین کننده حقوق مردم در دسترسی به روند رسیدگی قضایی است» (۱۳۸۸: ۱۱۲۴: Garner). مفهوم اصل علنی بودن دادرسی، «عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه است» (خالقی، ۱۳۸۳: ۳۲). در تعریفی دیگر، «اصل علنی بودن، وسیله‌ای برای نظارت عموم بر محاکم و تضمین رعایت حقوق افراد است» (مهرپور، ۱۳۷۳: ۲۱۴). برخی دیگر نیز معتقدند مناسب‌ترین تعریف برای دادرسی علنی «عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد و رسانه‌ها در جلسات دادگاه است» (امیدی و نیکویی، ۱۳۷۳: ۲۹). اگرچه ماده ۱۳۶ قانون سابق آیین دادرسی مدنی به بیان اصل علنی بودن دادرسی مدنی اختصاص یافته بود^۱ لیکن در قانون جدید، کمترین اشاره‌ای نسبت به این اصل وجود ندارد (غمامی و محسنی، ۱۳۸۵: ۲۸۴). در مقررات جزایی نیز تعریف مناسبی از اصل علنی بودن ارائه نشده و تعریفی که در ماده ۱۸۸ قانون سابق آیین دادرسی کیفری ارائه شده بود، با ابهام بیشتری در تبصره ماده ۳۲۵ قانون جدید بیان شده است. این در حالی است که وجود ابهام در مفهوم اصل، زمینه‌ساز اعمال نظر و سلايق شخصی می‌شود و آثاری زیان‌بار برای سیستم قضایی به‌ویژه در امور کیفری دارد. با توجه به تعاریف ارائه شده و با لحاظ وجوه اشتراک دادرسی مدنی و جزایی، به نظر می‌رسد رعایت اصل علنی بودن دادرسی به معنای عدم ایجاد مانع در جهت دسترسی عموم به روند

۱. ماده ۱۳۶: «جلسات دادرسی علنی است مگر در موردی که علنی بودن جلسه مخل انتظامات عمومی و یا مخالف اخلاق حسنه باشد که در این صورت دادگاه می‌تواند مستقلاً و یا به درخواست یکی از اصحاب دعوی و یا به درخواست دادستان قرار غیرعلنی بودن جلسه را بدهد».

رسیدگی قضایی و اطلاعات مربوط به دادرسی به منظور تحقق دادرسی منصفانه است.

۲. مبانی اصل علنی بودن دادرسی

ضرورت رعایت اصل علنی بودن دادرسی را بر مبنای مفاهیم کلیدی دادرسی منصفانه و شفافیت قضایی می‌توان توجیه کرد.

۲-۱. دادرسی منصفانه

مهم‌ترین مبنای اصل علنی بودن دادرسی، نیل به دادرسی منصفانه است و حق علنی بودن دادرسی از لوازم و تضمین‌های دادرسی منصفانه است (Guinchard, Chainais & Ferrand, ۲۰۱۰: ۵۲۱). با وجود اینکه از دادرسی منصفانه در اسناد مهم بین‌المللی و منطقه‌ای تحت عنوان حقی از حقوق بنیادین بشر نام برده شده است، اما در اسناد مذکور تعریف جامع و مانعی از آن بیان نشده و تنها به ذکر عناصر و تضمینات دادرسی منصفانه اکتفا شده است. دادرسی منصفانه به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند یک ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شناسایی شده است. از نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر «دادرسی منصفانه ابزاری مبتنی بر حقوق اساسی و نظم عمومی اروپایی است» (غمامی و محسنی، ۱۳۸۵: ۲۸۱). «دادرسی عادلانه مفهومی است که به شکل حقوقی ارتقاء یافته تا نشان دهد در آیین دادرسی نیز اخلاق مبنای والای قواعد حقوقی است» (Oppetit, ۱۹۹۹: ۱۲۴). دادرسی منصفانه ناظر به رعایت عدالت شکلی در فرایند رسیدگی قضایی است. دادرسی منصفانه عبارت است از «رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات مدنی و کیفری بین طرفین دعوا چه در امور حکمی و چه در امور موضوعی در دادگاه قانونی، صالح، مستقل، بی‌طرف و غیر ذینفع با رعایت اصول و آیین‌های از پیش تعیین شده همراه با تضمین حقوق قانونی طرفین دعوا در طی مراحل مختلف فرایند قضایی» (فضائلی، ۱۳۹۳: ۶۰). علنی بودن دادرسی یکی از عناصر اساسی برای تحقق دادرسی منصفانه (Andrews, ۲۰۱۲: ۳۱) و یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر فرایند دادرسی منصفانه است (فضائلی، ۱۳۹۳: ۱۶۸؛ ۲۰۰۶: ۱۰۸). (Doebbler, ۲۰۰۶: ۱۰۸).

۲-۲. شفافیت قضایی

اصل علنی بودن مذاکرات از جمله مقتضیات ضروری برای شفافیت و نظم دادرسی است. لذا، این اصل از محدوده نفع اصحاب دعوا فراتر رفته و به تمام مراجعین دادگستری مربوط می‌شود (Guinchard, Chainais & Ferrand, ۲۰۱۰: ۵۲۱). اصطلاح «شفافیت» در مورد اطلاعات، داده‌ها و رویه‌ها، به معنای آشکار بودن و در دسترس بودن به منظور بررسی و نظارت بر آن‌هاست (ساریخانی و اکرمی سراب، ۱۳۹۲: ۹۳). یکی از مهم‌ترین تعهدات حکمرانی شایسته، تضمین حقوق بشر و حقوق شهروندی است. دادرسی علنی مفهومی اساسی است که برای تحقق دادرسی عادلانه تنظیم شده و موجب تضمین حقوق شهروندی می‌شود (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۵: ۱۲۹). شفافیت قضایی به این معنا است که روند رسیدگی دادگاه و صدور رأی، علنی و قابل دسترس برای عموم مردم باشد مگر در موارد خاصی که قانون خلاف آن را مقرر کرده باشد. در حقوق اسلامی یکی از شاخص‌های ساختاری شفافیت، نظارت مردمی بر عملکرد کارگزاران به‌ویژه در حوزه امور قضایی است. بهره‌گیری از شاخص‌های ساختاری همچون شبکه نظارتی گسترده و نظام قضایی مستقل، به خوبی می‌تواند در نیل به شفافیت راهگشا باشد (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۵: ۱۲۹). بر مبنای شفافیت و با استفاده از اطلاعاتی که حکومت در اختیار شهروندان می‌گذارد به آن‌ها امکان داده می‌شود تا از آنچه حکومت انجام می‌دهد آگاه شوند و بتوانند در این امور، تحلیل، نقد و قیاس کنند (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۵: ۱۳۱). یکی از عناصر اصلی برای تحقق شفافیت قضایی، رعایت اصل علنی بودن دادرسی است (Bodnár, ۲۰۱۶: ۱۵۵). شفافیت قضایی مسئله جدیدی نیست و یکی از حقوق اولیه دادرسی، شفافیت و در پس آن، علنی بودن رسیدگی است که به نوبه خود متضمن نیل به هدف دادرسی منصفانه است (Bodnár, ۲۰۱۶: ۱۵۳). دادرسی علنی، مبتنی بر ایده شفافیت سیستم قضایی است که از حقوق طرفین دعوا و جامعه به نحو گسترده حمایت می‌کند (OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), ۲۰۱۲: ۷۹). دسترسی عموم به اطلاعات قضایی، پرونده‌ها و قوانین، باعث افزایش شفافیت عملکرد و کارایی دستگاه قضایی شده و ابزار لازم برای به چالش کشیدن نابهنجاری‌ها را فراهم می‌کند. شفافیت عملکرد دستگاه قضایی ایجاب می‌کند که نخست، هر کس در سطح قابل اعتمادی به اطلاعات دسترسی داشته باشد؛ دوم، اطلاعات مرتبط با عملکرد دستگاه قضایی و دادگاه‌ها باید در سطح وسیعی منتشر شود؛ سوم، قضات، وکلا، دانشگاهیان و

مردم، به قوانین و مقررات، رویه قضایی و تصمیم‌های دادگاه‌ها دسترسی داشته باشند و از هرگونه تغییر در قوانین آگاهی یابند (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴:۱۳). لذا به عقیده نگارنده، یکی از مبانی مهم برای توجیه اصل علنی بودن دادرسی، لزوم شفافیت عملکرد دستگاه قضایی در راستای جلوگیری از فساد قضایی و تأمین مشروعیت سازمان قضایی است.

۳. سابقه فقهی و مستندات قانونی علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن دادرسی در فقه قضایی اسلام سابقه طولانی دارد و در قوانین مختلف نیز انعکاس یافته است. لذا ضروری است که سابقه موضوع در فقه و جایگاه آن در مقررات موضوعه بررسی شود.

۳-۱. سابقه فقهی علنی بودن دادرسی

اصل دادرسی علنی در روایات و سیره معصومین و نظریات فقهی نیز سوابقی دارد؛ به این ترتیب که در نظام دادرسی علوی، علنی بودن دادرسی و محاکمات از جمله سازوکارهایی بوده است که به‌کارگیری آن به تحقق شفافیت در امور منتهی می‌شد. امام علی(ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «برای مراجعان خود وقتی مقرر کن که به نیاز آن‌ها شخصاً رسیدگی کنی، مجلس عمومی و همگانی برای آن‌ها تشکیل ده و درهای آن را بر روی هیچ‌کس نبند و برای خداوندی که تو را آفریده تواضع کن و لشکریان و محافظان و پاسبانان خود را از این مجلس دور ساز تا هر کس به صراحت و بدون ترس و لکننت زبان سخنان خود را به تو بگوید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳). همچنین، در سیره قضایی حضرت علی(ع) آمده است که حضرت در مسجد بین مردم قضاوت می‌کردند و در آن مسجد جایگاهی وجود داشت که به «دکه القضا» معروف بود؛ به‌گونه‌ای که مشاهده آن از هر طرف مسجد امکان‌پذیر بود. از آنجا که حضرت شنیده بودند شریح در خانه خود قضاوت می‌کند، فرمودند: ای شریح در مسجد قضاوت کن که این عمل برای اجرای عدالت بین مردم بهتر است (قلعه جی، ۱۴۰۶: ۵۰۶). آن‌گونه که مؤلفان نظام دادرسی اسلامی استنباط کرده‌اند، فلسفه برگزاری جلسات دادرسی در مسجد، رعایت اصل علنی بودن رسیدگی و تسهیل حضور مردم در جلسات دادرسی بوده است (باقر الموسوی، ۱۴۱۹: ۱۱۴). روایت حضرت امیر و شریح حاکی از آن است که امامان معصوم نیز بر ضرورت رسیدگی حضوری و علنی تأکید

داشته‌اند و به برگزاری قضاوت‌های علنی سفارش می‌کردند (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ ج ۲: ۵۳۴؛ نجفی، بی‌تا: ج ۴۰: ۸۱). علاوه بر این‌ها، در فقه اسلامی، گماشتن دربان و حاجب برای دادگاه کاری ناپسند و بعضاً حرام دانسته شده است (اردبیلی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۴۱؛ حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۸). این امر نیز به نوبه خود ضرورت علنی بودن دادرسی را از منظر حقوق اسلامی تبیین می‌کند. همان‌طور که قابل ملاحظه است در روایات و سوابق فقهی موضوع هیچ تفاوتی بین دادرسی مدنی و کیفری مطرح نشده و همواره بر ضرورت علنی بودن دادرسی به عنوان یک اصل کلی تأکید شده است.

۳-۲. مستندات قانونی علنی بودن دادرسی

علنی بودن دادرسی در تاریخ حقوق ایران سابقه طولانی داشته است. برای نمونه، دادرسی‌ها در دستگاه قضایی ساسانی علنی بوده است و طرفین دعوا می‌توانستند برای خود مشاور بگیرند (حجتی کرمانی، ۱۳۶۹: ۴۰۱). اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بدون تفکیک بین امور مدنی و کیفری، کلیه دادرسی‌ها را مشمول اصل علنی بودن محاکم می‌داند و منافات علنی بودن با عفت عمومی یا نظم عمومی و نیز، تقاضای طرفین مبنی بر غیرعلنی بودن دادرسی را به عنوان استثنائات اصل علنی بودن محاکم معرفی کرده است. منظور از محدودیت علنی بودن دادرسی در دعای خصوصی به شرح مندرج در اصل ۱۶۵ قانون اساسی این است که اگر علنی بودن دادرسی به حقوق خصوصی اشخاص خلل وارد کند، دادگاه می‌تواند به تقاضای طرف ذینفع، دادرسی را به صورت غیرعلنی برگزار کند. برای مثال، در دعای مربوط به نسب هر یک از طرفین می‌توانند غیرعلنی بودن دادرسی را درخواست کنند. همچنین در دعای مربوط به نقض اسرار تجاری، بنا به درخواست طرف زیان‌دیده، دادرسی باید به نحو غیرعلنی برگزار شود. به‌طور کلی، هرگاه علنی بودن دادرسی بتواند زمینه اخلاص یا ایراد لطمه به حریم خصوصی اشخاص را فراهم کند، طرفی که در حفظ محرمانگی دادرسی ذینفع تلقی می‌شود این امکان را خواهد داشت تا غیرعلنی بودن دادرسی را از دادگاه درخواست کند.

به لحاظ تاریخی سابقه اصل علنی بودن دادرسی به قانون اساسی دوران مشروطیت برمی‌گردد که در اصل ۷۶ متمم قانون اساسی مشروطه به این اصل اشاره شده بود^۱ و همان‌طور

۱. اصل هفتاد و ششم: انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر آن که علنی بودن آن مخل نظم یا منافعی عصمت باشد در این صورت لزوم اخفا را محکمه اعلان می‌کند.

که ذکر شد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، ماده ۱۳۶ به بیان اصل علنی بودن دادرسی اختصاص یافته بود و صرفاً انتظامات عمومی و اخلاق حسنه به عنوان قیود محدودکننده این اصل مقرر شده بود. در قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، نص صریحی به بیان اصل علنی بودن دادرسی اختصاص نیافته است که این امر یا نشان از بی‌توجهی قانون‌گذار به اصول راهبردی دادرسی دارد که خود محل ایراد است و یا با لحاظ فرض حکیم بودن مقنن و بدیهی بودن اصل علنی بودن دادرسی، قانون‌گذار با وجود اصل مندرج در قانون اساسی نیازی به مقرر گذاری و تبیین آن در قانون عادی ندیده که این دیدگاه نیز قابل نقد است، زیرا قانون اساسی در مقام بیان کلیات و چارچوب اصلی سیستم حکمرانی کشور است و این اصول بایستی در قالب قوانین عادی تبیین و تشریح شوند. لذا، همان‌طور که برخی از محققان بیان کرده‌اند، لازم است قانون‌گذار قاعده مزبور را در مقررات آیین دادرسی مدنی نیز تصریح کند (شمس، ۱۳۹۰: ۱۴۴). به دنبال سیاست‌گذاری اصل ۱۶۵ قانون اساسی، اصل علنی بودن در قوانین کیفری ظهور و بروز یافته است؛ با این توضیح که در قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و الحاق سه تبصره به آن مصوب ۱۳۸۵، بر عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی کیفری تأکید شده بود و حتی در گامی فراتر، خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانستند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی‌عنه باشد، آن را منتشر کنند. ماده ۳۵۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، پس از بیان لزوم علنی بودن محاکمات، منظور از علنی بودن را در قالب تبصره بیان می‌دارد. مطابق این تبصره، اصل علنی بودن به معنای عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. به نظر می‌رسد اصل علنی بودن دادرسی، زمینه‌ساز نظارت عمومی بر روند دادرسی و از عناصر مهم برای تحقق دادرسی منصفانه، شفافیت قضایی و تضمین حقوق شهروندی است که به لحاظ اشتراک در مبانی، قوانین کیفری موجود می‌تواند مبنای مطلوبی برای اتخاذ وحدت ملاک در این دو حوزه باشد (امیدی و نکویی، ۱۳۸۷: ۲۸). اصل علنی بودن دادرسی به عنوان یک استاندارد جهانی دادرسی است و با توجه به اصل ۱۶۵ قانون اساسی و نیز با استفاده از وحدت ملاک مقررات آیین دادرسی کیفری، حاکمیت اصل علنی بودن دادرسی در امور مدنی نیز بایستی پذیرفته شود، هرچند که رویه عملی دادگاه‌ها تاکنون نشان داده که معمولاً این مراجع به مفاد اصل حتی در

محاکمات کیفری نیز پایبند نیستند (رزاقی، ۱۳۸۹: ۱۰۹؛ شمس، ۱۳۹۰: ۱۴۴). قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ با تمام فراز و نشیب‌هایی که در تصویب آن رخ داده، از مهم‌ترین قوانینی است که در تأیید آزادی دسترسی به اطلاعات می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. طبق ماده ۲ این قانون، هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد مگر آن که قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آن‌ها تابع قوانین و مقررات مربوطه خواهد بود (اقمشه و سلمان پور، ۱۳۲: ۱۳۹۴). سؤال قابل طرح این است که آیا اساساً دسترسی به اطلاعات قضایی در حین دادرسی و پس از خاتمه آن، مشمول اصل علنی بودن دادرسی قرار می‌گیرد یا خیر؛ که با توجه به فواید و مزایای مترتب بر این امر و با لحاظ اهداف سیستم قضایی مبنی بر نیل به دادرسی منصفانه، شفافیت قضایی و تضمین حقوق شهروندی، باید چنین مواردی را نیز تحت شمول اصل علنی بودن دادرسی تلقی کرده و با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی همچون منافع طرفین و انتظامات عمومی، تفسیر موسعی از اصل علنی بودن دادرسی ارائه کرد.

۴. مطالعه تطبیقی اصل علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن دادرسی در قوانین بسیاری از کشورها پیش‌بینی شده است. در حقوق فرانسه، اصل علنی بودن نه تنها بر دادرسی کیفری حکومت دارد بلکه به عنوان یکی از اصول راهبردی حاکم بر دادرسی مدنی نیز پذیرفته شده است. به علاوه، مفاد اصل در اسناد مهم بین‌المللی ذیل عنوان «دادرسی منصفانه» مقرر شده و در سند اصول آیین دادرسی مدنی فراملی نیز انعکاس یافته است.

۴-۱. بررسی اصل علنی بودن دادرسی در حقوق فرانسه

اصل علنی بودن دادرسی یکی از «اصول راهبردی حاکم بر دادرسی مدنی» فرانسه است و حتی اصل مزبور در زمره «اصول کلی حقوقی» تلقی شده است (Guinchard, ۱۹۹۹: ۷۱). در دادرسی مدنی فرانسه، اصل علنی بودن در تمام مراحل دادرسی مدنی به صورت یکسان اعمال نمی‌شود. ابتدا مرحله تحقیقات مقدماتی غیرعلنی است. اصل مذکور در جریان جلسات دادرسی ظاهر می‌شود، در خلال شور بین قضات ناپدید شده و در جریان اعلام رأی دوباره ظاهر می‌شود (Matringe, ۲۰۱۱: ۴). به این ترتیب، در مقطع اولیه دادرسی؛ تحت عنوان تحقیقات مقدماتی یا

آماده کردن پرونده، غیرعلنی بودن حکم فرماست. مقطع تحقیقات مقدماتی به تبادل ادعاها، ادله و جهات مورد استناد طرفین اختصاص دارد که این فرایند به صورت متقابل و مکتوب انجام می‌پذیرد. عقیده بر این است که این مرحله، مرحله تفکر و تأمل است و سکوت و آرامش خاصی را اقتضا می‌کند. بر همین اساس، غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی در حقوق فرانسه امری مسلم و بدیهی تلقی شده است (پرو، ۱۳۸۴: ۶۳۰).

در مقطع بعد تحت عنوان جلسه دفاعیات شفاهی، اصل بر علنی بودن جلسات دادرسی است.^۱ ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی راجع به اصل علنی بودن مذاکرات طرفین در مبحث «اصول راهبردی دادرسی» جای گرفته است و جایگاه ماده مزبور اهمیت اصل علنی بودن به عنوان یکی از اصول راهبردی دادرسی مدنی را نمایان می‌سازد. ماده ۴۳۳ قانون آ.د.م. نیز بر اصل علنی بودن جریان مذاکرات طرفین تصریح کرده و غیرعلنی بودن را به عنوان استثناء و موکول به تجویز قانون‌گذار اعلام کرده است. به دلالت ماده ۲۲، برخی استثنائات جنبه اجباری دارند؛ به این معنا که غیرعلنی بودن دادرسی قانوناً الزامی است از قبیل رسیدگی به دعاوی طلاق و مفارقت جسمانی (مواد ۲۴۸ و ۲۹۸ ق.م.)، دعاوی فرزندخواندگی (ماده ۱۱۸۹ ق.آ.د.م.)، دعاوی مربوط به حضانت (ماده ۱۲۰۸ ق.آ.د.م.) و دعاوی مربوط به نسب (ماده ۱۱۴۹ ق.آ.د.م.). در برخی موارد دیگر، استثنائات جنبه اختیاری دارند؛ به این معنا که اتخاذ تصمیم در خصوص علنی یا غیرعلنی بودن دادرسی منوط به صلاحدید دادگاه خواهد بود. بر این اساس، چنانچه علنی بودن دادرسی موجب ورود لطمه به زندگی خصوصی افراد باشد یا موجب اختلالی شود که به شفافیت عملکرد دادگستری صدمه وارد کند و همچنین، در صورت درخواست تمامی اطراف دعوا، دادرسی می‌تواند مقرر کند که مذاکرات شفاهی به صورت غیرعلنی برگزار شده یا ادامه یابد (ماده ۴۳۵ ق.آ.د.م.).

پس از اعلام ختم دادرسی، مقطع شور بین قضات سری خواهد بود.^۲ از جمله نتایج مترتب بر سری بودن شور بین قضات این است که دادرسان دادگاه باید نظر خود را در قالب هیئت قضایی بیان کنند بدون آنکه شخص دیگری در این هیئت حضور داشته باشد؛ به نحوی که هیچ شخص دیگری اعم از اصحاب دعوا، وکلا و حتی مدیر دفتر دادگاه، مجاز به حضور در جلسه شور

۱. Publicité des débats

۲. ماده ۴۴۸ قانون آ.د.م. فرانسه: «شور بین دادرسان غیرعلنی است» (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

نخواهد بود. به علاوه، آنچه در جریان شور مطرح می‌شود به هیچ وجه نباید افشا شود و التزام به رعایت این امر حتی در متن سوگند قضات نیز تصریح شده است (پرو، ۱۳۸۴: ۶۳۷). علاوه بر این‌ها، در هیچ رأیی نباید نظر فردی هیچ یک از دادرسان، نمود یابد. سری بودن شور نتیجه اجتناب ناپذیر سیستم تعدد قضات است و طبیعی است که نظر انفرادی اعضای هیئت دادگاه نایستی افشا شود (پرو، ۱۳۸۴: ۶۳۸). اصطلاح «اتاق شور» در حقوق فرانسه یک ریشه تاریخی دارد و به معنای محلی در مجاورت سالن عمومی دادگاه است که قضات در آنجا با همدیگر مشورت می‌کنند. در معنای وسیع تر، این همان دادگاه است که در محل اتاق مخصوص محکمه یا جای دیگر برای رسیدگی به امور خاصی که دادرسی در این امور غیرعلنی است، تشکیل می‌شود. به عقیده اکثریت، دادرسی در اتاق شور شکل خاصی از دادگاه است که ویژگی بارز آن، رسیدگی و صدور رأی در قالب یک دادرسی غیرعلنی است. لذا اصطلاح «بدون حضور عموم» و «در اتاق شور» که در ماده ۴۳۶ به کار رفته است مترادف به نظر می‌رسند و به معنای غیرعلنی بودن دادرسی حمل می‌شود (Matringe, ۲۰۱۱: ۲).

در نهایت، در مرحله اعلان رأی، علنی بودن مجدداً حاکم می‌شود.^۱ بر طبق اصل علنی بودن آرای محاکم،^۲ رأی دادگاه باید به صورت شفاهی در جلسه علنی قرائت شود، حتی اگر مذاکرات طرفین به صورت غیرعلنی برگزار شده باشد. اعلان رأی در جلسه علنی اهمیت رأی به عنوان یک سند بسیار مهم را گوشزد کرده و نشان می‌دهد که صلاحیت دادرس در خصوص دعوی مطروحه خاتمه یافته و تغییر در رأی امکان پذیر نخواهد بود (پرو، ۱۳۸۴: ۶۴۰). به علاوه، اشخاص حق دارند کپی آرای صادره را از طریق دفتر دادگاه تحصیل کنند ولو اینکه رأی مربوط به ایشان نباشد. در واقع، امکان تحصیل نسخه‌ای از رأی دادگاه حتی برای اشخاص ثالث به عنوان یک حق تلقی می‌شود (Fricero, ۲۰۰۹: ۹۹; Guillien et Vincent, ۲۰۱۰: ۵۸۳). در حقوق فرانسه، اصولاً هر شخصی می‌تواند کپی آرای صادره را در دادرسی علنی دریافت کند. بر مبنای ضرورت اعلام رأی به صورت علنی، برای مثال می‌توان از جریان دعوی بطلان نکاح مربوط به همسایه نیز کسب اطلاع کرد، زیرا در این مورد جریان مذاکرات و اعلام رأی علنی

۱. ماده ۴۵۱ قانون آ.د.م. فرانسه: «تصمیمات ترافعی در جلسه علنی و تصمیم‌های حسی بدون حضور مردم با لحاظ مقررات خاص برخی امور اعلام می‌شود. تسلیم آن‌ها به دفتر تابع همان مقررات علنی بودن است» (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

۲. Publicité des jugements.

است (Matringe, ۲۰۱۱: ۱۰). از دیدگاه حقوق فرانسه، عقیده بر این است که علنی بودن رأی به عموم امکان نظارت و کنترل بر روی قاضی را می‌دهد. همچنین، دسترسی به قانون در اشکال خاص آن را امکان‌پذیر می‌سازد. بر این اساس، دسترسی شهروندان به آرای محاکم باید از سوی دولت تضمین شود. ماده ۳-۱۱ قانون شماره ۶۲۶-۷۲ مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۷۲ که به‌طور خاص مربوط به اصلاحات مقررات دادرسی مدنی است، مقرر می‌دارد: «اشخاص ثالث حق دارند نسخه‌ای از آرائی که به صورت علنی صادر شده‌اند را دریافت کنند». به‌طور کلی، آرای دیوان عالی کشور سری نخواهد بود حتی در اموری که به صورت غیرعلنی به آن‌ها رسیدگی شده است. ماده ۲-۱۱ قانون اخیرالذکر مقرر می‌دارد: «آرای دیوان عالی کشور به صورت علنی اعلام می‌شوند». دلیل این امر به نقش دیوان عالی کشور در تضمین اجرای صحیح قوانین در محاکم بازمی‌گردد که با سری بودن منافات دارد. مع‌هذا، علنی بودن آرای قضات ماهوی می‌تواند تابع محدودیت‌هایی باشد (Matringe, ۲۰۱۱: ۶).

در حقوق فرانسه، اصل علنی بودن دادرسی تضمینی بنیادین برای دموکراسی محسوب می‌شود و نهاد قضایی را تحت کنترل و نظارت شهروندان قرار می‌دهد (Roure, ۲۰۰۶: ۷۶۲). همچنین، اصل علنی بودن به عنوان یک تضمین بنیادین محسوب می‌شود که امکان اعمال آزادی‌های اساسی را به شهروندان می‌دهد. به تعبیر یکی از قضات دیوان عالی کشور فرانسه، «علنی بودن دادگستری به یک استاندارد مشترک دموکراسی مبدل شده است» و از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، موجب تضمین جریان منصفانه دادرسی می‌شود (Roure, ۲۰۰۶: ۷۴۹). علنی بودن دادرسی به عنوان تضمینی برای رعایت حقوق اصحاب دعوا معرفی شده است، زیرا دادرسی علنی امکان نظارت افکار عمومی بر عملکرد دادگاه را فراهم می‌کند و از حقوق طرفین دعوا حفاظت می‌کند. اهمیت اصل مزبور در حقوق فرانسه تا جایی است که شورای دولتی این الزام را به عنوان یک اصل کلی حقوقی قلمداد کرده است (کوشه، ۱۳۹۱: ۲۸۶).

۴-۲. علنی بودن دادرسی در اسناد بین‌المللی

از حیث منابع بین‌المللی، اصل علنی بودن دادرسی مبتنی بر ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند یک ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است (Guinchard, Chainais & Ferrand, ۲۰۱۰: ۵۲۲). ماده ۱۰

اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاهی مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده است، اتخاذ تصمیم کند». بر اساس این ماده، علنی بودن دادرسی به عنوان حقی برای همگان اعلام شده است و دادرسی علنی نه تنها هرگونه اتهام جزایی، بلکه کلیه حقوق و الزامات مدنی اشخاص را نیز در برمی‌گیرد. لذا، بر اساس قید اخیر ماده می‌توان دریافت که اصل علنی بودن دادرسی نه تنها در امور جزایی، بلکه در حوزه امور مدنی نیز به عنوان حقی بشری تلقی می‌شود. در بند یک ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز این مسئله مورد تأکید قرار گرفته است. در همین ارتباط، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر شخصی حق دارد که دعوایش به‌طور منصفانه، علنی و در مهلت معقول، توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف که به موجب قانون تأسیس شده است، استماع شود و چنین دادگاهی درباره اختلافات مربوط به حقوق و تعهدات مدنی او یا هر اتهام جزایی که علیه او مطرح شده، اتخاذ تصمیم کند». این کنوانسیون صراحتاً تعهدات مدنی را نیز مشمول اصل علنی بودن دادرسی می‌داند و حتی در گامی فراتر، اجازه حضور رسانه‌ها و عموم مردم را با رعایت استثنائاتی می‌دهد و صراحتاً بیان می‌دارد که عموم مردم حق دسترسی به نتایج رسیدگی را دارند. سند اصول آیین دادرسی مدنی فراملی سندی است که با مشارکت مؤسسه حقوق آمریکا^۱ و مؤسسه بین‌المللی یکنواخت سازی حقوق خصوصی^۲ تدوین شده و در آن تلاش شده تا استانداردهای دادرسی که مورد قبول و احترام تمامی نظام‌های حقوقی مدرن است، در قالب مجموعه مشخصی گردآوری شود. مفاد سند به عنوان یک الگو برای اصلاح مقررات داخلی کشورها پیشنهاد شده و وصف الزام‌آور ندارد لیکن از آنجاکه بیان‌کننده مهم‌ترین استانداردهای بین‌المللی در رسیدگی به دعاوی مدنی است، بسیار با ارزش تلقی می‌شود. اصل بیستم این مجموعه به بیان اصل علنی بودن دادرسی اختصاص یافته است و علاوه بر پذیرش امکان حضور عموم مردم در جلسات دادگاه، حق دسترسی عموم به سوابق و پرونده‌های قضایی و نیز، حق دسترسی به آرای محاکم را نیز تحت لوای اصل علنی بودن دادرسی مقرر کرده است.

۱. American Law Institute

۲. International Institute for the Uniformity of Private Law

۵. آثار اصل علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن دادرسی موجب بروز آثاری در سیستم حقوقی و اجتماعی هر کشور می‌شود که شایسته است این آثار اعم از مثبت و منفی مورد بررسی قرار گیرند. تجربه اعمال این اصل در برخی کشورها نشان داده است که اصل علنی بودن دادرسی ممکن است این تالی فاسد را برای حاکمیت در پی داشته باشد که باعث کاهش سرعت رسیدگی به دعاوی شده و عوامل احساسی و عاطفی ناشی از حضور شهروندان و تأثیر آن بر دادرسی، مانع از رسیدن به تصمیم منطقی شود. به علاوه، تصور بر این است که تصمیم‌های مبتنی بر اصول دموکراتیک همیشه نتایج منطقی در بر ندارند، زیرا اصول دموکراتیک در پی تأمین رضایت عموم مردم و اصول دادرسی در پی کشف حقیقت و اجرای عدالت است که ممکن است برای مردم خوشایند نباشد. در نهایت، نهادهای حاکمیتی معمولاً نمی‌خواهند تمامی تصمیم‌های قضایی خود را به اشتراک بگذارند، زیرا ممکن است موجب اختلال در امر حکمرانی شود (Baker, Addams & Davis, ۲۰۰۵: ۴۹۱). باین حال، آثار منفی ناشی از اجرای اصل علنی بودن دادرسی به مراتب کمتر از آثار مثبتی است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۵-۱. تضمین حقوق اصحاب دعوا

نخستین اثر و برآیند مستقیم و بلاواسطه‌ای که اصل علنی بودن دادرسی دارد، بر روی طرفین دعواست و این اصل به عنوان تضمینی برای رعایت حقوق قضاوت شونده‌گان به شمار می‌رود (شمس، ۱۳۹۰: ۱۴۳). علنی بودن دادرسی یکی از اصول تضمین‌کننده رعایت حقوق دفاعی است، زیرا امکان کنترل و نظارت افکار عمومی بر فرایند دادرسی و محتوای آرای قضایی را فراهم می‌کند (Matringe, ۲۰۱۱: ۱). دادرسی علنی وسیله‌ای است که دادرسان را به رعایت حقوق و تعدیل نسبت به طرفین دعوا وادار ساخته و اگر فرضاً دادرسی باشد که بخواهد به یک طرف اظهار تمایل کرده یا منحرف از طرف دیگر شود و یا مثلاً به وسیله اشاره و غیره، باعث تنبه و توجه یکی از اصحاب دعوا به موضوعی شود، به ملاحظه حضور دیگران خودداری خواهد کرد و همچنین، حضور تماشاچیان و رسانه‌ها مانع از رفتار خشونت‌بار و اظهارات زنده نسبت به اصحاب دعوا و اظهار میل یا اعمال غرض در انشاء حکم می‌شود و در نتیجه، دادرسی از بیم انتقاد اشخاص و با التزام به رعایت شئون قضایی، از طریق عدل و انصاف و حکم قانون خارج نخواهد

شد (وزیر نظامی، ۱۳۲۱: ۳۰۳).

۵-۲. کنترل سیستم قضایی و گسترش مشروعیت آن

اصل علنی بودن دادرسی یکی از اصول دادرسی است که تضمینی بنیادین برای دموکراسی محسوب می‌شود و نهاد قضایی را تحت کنترل و نظارت شهروندان قرار می‌دهد (Roure, ۲۰۰۶: ۷۶۲). از جمله اطلاعاتی که آگاهی افکار عمومی نسبت به آن مفید است و موجب تحقق نظارت عمومی بر قوه قضائیه می‌شود، محتوای پرونده‌های در حال رسیدگی و پرونده‌های مختومه است (Herrero & Lopez, ۲۰۱۰: ۱۳). حکومت‌هایی که از پایگاه مردمی اطمینان‌بخشی برخوردار نیستند، معمولاً عناصر مخالف خود را مخل اعمال خودکامگی می‌بینند و در نتیجه، سری بودن جلسات دادرسی مانع از افشای نامطلوب جریانات قضایی در این نظام‌ها می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۰۹). اصل علنی بودن دادرسی موجب پایش و کنترل سیستم قضایی و حتی باعث تقویت اعتماد به نفس سیستم قضایی می‌شود (شمس، ۱۳۹۰: ۱۴۳). این اصل، احساس مسئولیت و وصف پاسخگویی اشخاصی که قدرت اجباری بر مردم اعمال می‌کنند را تقویت می‌کند (Cameron, ۲۰۰۳: ۳). به نظر می‌رسد که اصل علنی بودن دادرسی موجب کنترل و نظارت افکار عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی شده و نتیجه رعایت آن، تضمین شفافیت و حسن اجرای عدالت است. اگر ابزارهای نظارتی همچون افکار عمومی و رسانه‌ها وظیفه خود را در حوزه امور قضایی انجام ندهند، قوه قضائیه در رأس هدف فساد سازمان یافته قرار می‌گیرد. چنانچه سلامت سیستماتیک کشور هدف باشد، مهم‌ترین مرکز آن قوه قضائیه است و اگر این قوه سالم باشد، نیروهای فاسد در سایر قوا هراس بیشتری خواهند داشت (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴: ۱۱). کنترل و پایش سیستم قضایی به واسطه اجرای اصل علنی بودن دادرسی، به‌مثابه دوربین مداربسته‌ای است که موجب جلوگیری از هرگونه نفوذ در سیستم قضایی، حفظ استقلال و بی‌طرفی دادرس و از بین رفتن هرگونه فساد ناشی از نفوذ عوامل ثروت و قدرت می‌شود. رعایت اصل علنی بودن دادرسی موجب تضمین مشروعیت خود قاضی نیز خواهد شد لکن به این منظور لازم است که نه تنها آرای محاکم، بلکه مباحث مطروحه در جریان دادرسی نیز از طریق رسانه‌ها در معرض دسترسی عموم قرار گیرد (۲۸۴: ۲۰۰۲: Mercadal). رعایت اصل علنی بودن پیش‌نیاز مهم دادگاه برای تضمین دستیابی به مشروعیت قضایی است و

می‌تواند به تقویت مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و مشروعیت قوه قضائیه منتهی شود (Bogdandy & Venzke, ۲۰۱۲:۲۲). در نتیجه رعایت اصل علنی بودن دادرسی، جامعه اعتماد بیشتری به سیستم قضایی پیدا می‌کند و مقبولیت و مشروعیت سیستم قضایی گسترش پیدا خواهد کرد و این خود، موجب گسترش امنیت حقوقی و قضایی برای شهروندان می‌شود.

۵-۳. کاهش دعاوی، سرعت در رسیدگی و عدالت درمانی

علی‌رغم این که برخی معتقدند علنی بودن دادرسی موجب اطاله فرایند دادرسی می‌شود (Bodnár, ۲۰۱۶:۱۵۷)، به نظر می‌رسد اصل علنی بودن و حضور افراد علاوه بر این که استقلال دادرسان و عظمت دادگاه و شئون قضایی را نشان می‌دهد، نسبت به روحیه و اخلاق متداعیین نیز خالی از تأثیر نبوده و از طرح دعاوی بی‌اساس و مغرضانه جلوگیری می‌کند. چه بسیار دعاوی که بر اثر کینه و عداوت و فقط به قصد اضرار به طرف مقابل، بدون اساس و پایه اقامه می‌شود. وقتی دعاوی مدعی در جلسه علنی طرح شود مدعی در انظار تماشاگران از پوچ بودن دعاوی خود خجل می‌شود و حتی‌المقدور از اقامه چنین دعوایی خودداری خواهد کرد. همچنین، مدعی علیه وقتی دعا را قابل مدافعه نبیند و احتمال دهد که در حضور اشخاص به محکومیت او حکم داده شود، این امر را باعث ورود لطمه به حیثیت و اعتبار خود دیده و کمتر اجازه می‌دهد اختلاف به مرافعه و دادرسی منجر شود. به این ترتیب، از تعداد دعاوی کاسته شده و سرعت جریان و حسن انتظام امور در حل و فصل دعاوی دیگر نیز مؤثر خواهد بود (وزیر نظامی، ۱۳۳۱:۳۰۲). در نهایت، رعایت اصل علنی بودن باعث می‌شود طرفی که احیاناً دعاوی واهی علیه او اقامه شده است، پس از صدور حکم به عدم مسئولیت وی، از طریق اعلان عمومی حکم از خود اعاده حیثیت کند و زیان‌های وارده به حیثیت و اعتبار او به‌نوعی ترمیم شود و این، نوعی عدالت درمانی است.

۵-۴. شکل‌گیری فرهنگ حقوقی و تضمین امنیت حقوقی و قضایی

علنی بودن دادرسی موجب استفاده برای مستمعین می‌شود. کسی که شاهد و ناظر جریان دعا بوده و مدافعات و دلایل تقدیمی طرفین و حکمی که دادگاه پس از آن صادر می‌کند و علل و اسباب و مواد قانونی مورد استناد او را استماع کند و با آنچه قبلاً نزد خود از نتیجه دادرسی

حدس زده و تصور می‌کرده مقابله کند، به خطا و صواب افکار و تشخیص خودآگاه شده و در نتیجه، کمترین فایده‌ای که می‌برد این است که سعی می‌کند امور و معاملات خود را با احکام قانونی منطبق کرده و با بصیرت بیشتری در مقام حفظ حقوق خود و استفاده از مقررات قانونی برآید (وزیر نظامی، ۱۳۲۱: ۳۰۴). زمانی که مردم اجازه ورود به جلسات دادرسی را داشته باشند، می‌توانند بررسی و اطمینان حاصل کنند که آیا در قضایای مشابه، روند دادرسی می‌تواند به نفع آن‌ها باشد یا خیر. دادرسی علنی از طریق انتشار اطلاعات قضایی موجب آموزش حقوقی مردم نیز می‌شود و به شکل‌گیری فرهنگ حقوقی صحیح کمک خواهد کرد (Mclachlin, ۲۰۱۴: ۹).

۵-۵. امکان نقد رویه قضایی، بهبود سیستم قضایی و اجرای عدالت

شرایط ایجاد رویه قضایی با عرف جمعی ارتباط گسترده‌ای دارد. دادگاه‌ها باید ترغیب شوند که در برابر مسئله حقوقی معین از راه‌حل خاصی استفاده کنند. برای یکسان‌سازی رویه دادگاه‌ها، انتشار آرای محاکم و دسترسی به دادرسی یکی از بهترین روش‌هاست. تا زمانی که دادرسان و کلای دادگستری، از روش کار و تصمیم‌های مراجع عالی آگاه نشوند هیچ‌گاه نباید انتظار رویه‌های ثابت و متقن را داشت. یکی از مهم‌ترین دلایل ناتوانی رویه قضایی در کشورهای در حال توسعه این است که رأی به صورت خاص و به شکل کامل در معرض نقد حقوقدانان قرار نمی‌گیرد و آراء از طرف هیچ مقامی ارزیابی علمی و حقوقی نمی‌شوند. در واقع، لازم است رویه قضایی مورد توجه و بررسی مداوم قرار گیرد تا مبادا سیالیت ناشی از آن بر بدنه منضبط قضایی آسیب زده و بی‌محابا منجر به اتخاذ رویه‌های نامتناسب با جوهر عدالت و انصاف در جامعه شود. یکی از برنامه‌های مطلوب در این زمینه، توجه به شفافیت قضایی در آراء است (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴: ۱۶). اصل علنی بودن دادرسی موجب گردش آزاد اطلاعات قضایی و رواج بحث و انتقاد در جامعه می‌شود (Cameron, ۲۰۰۳: ۳). لزوم شفافیت قضایی نه تنها شامل جلسات دادرسی می‌شود بلکه باید به پرونده‌ها و لوایح و دلایل ارائه شده به محاکم نیز تسری داده شود به گونه‌ای که این‌ها نیز در معرض بررسی موشکافانه عمومی قرار گیرند. به علاوه، مدیران ارشد قوه قضائیه می‌بایست گزارش سالانه از عملکرد دادگاه‌ها از طریق رسانه‌ها به مردم ارائه دهند و نهادهای مدنی از قبیل کانون وکلا می‌توانند بررسی انتقادی فساد قضایی را عهده‌دار شوند

(Robertson, ۲۰۰۷: ۱۱۳). علنی بودن دادرسی و امکان دسترسی عموم به آرای محاکم، زمینه‌ساز تحقق عدالت رویه‌ای می‌شود (Reuben, ۲۰۰۰: ۱۰۱۴). به تعبیر برخی محققان، علنی بودن دادرسی به‌ویژه در مرحله نتیجه دادرسی و صدور رأی موجب تحقق مفهوم «عدالت زنده» و پویایی رویه قضایی خواهد شد (محسنی، ۱۳۸۸: ۲۴۲). لذا نقد و بررسی آرای دادگاه‌ها و نهایتاً تکرار آرای مشابه و یکسان، به لحاظ شکل‌گیری عنصر معنوی عرف قضایی و الزام ناخودآگاه قاضی به صدور حکم همانند موارد مشابه، موجب وحدت رویه قضایی و نهایتاً، زمینه‌ساز گسترش عدالت خواهد شد.

۶. قلمرو و مقتضیات اصل علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن به مراحل مختلف دادرسی تسری پیدا می‌کند و از مرحله شروع دادرسی شفاهی (که در سیستم‌های حقوقی مختلف، متفاوت است) تا مرحله صدور رأی، این اصل حاکم است و حتی اصل مزبور بر اعلان رأی نیز حکم فرماست. هرچند در جریان دادرسی محدودیت‌هایی بر اصل علنی بودن دادرسی قابل اعمال است اما در نظام‌های مختلف حقوقی بر اصل اعلان رأی محدودیتی وارد نشده است و بر این مرحله، اصل علنی بودن به صورت مطلق قابل اعمال است (یاوری، ۱۳۸۳: ۲۸۳). به نظر می‌رسد اصل علنی بودن دادرسی از بدو تا خاتمه دادرسی و در تمام مقاطع اعم از مذاکرات شفاهی، تحقیق از شهود، استماع نظر کارشناس، اعلام رأی (اعم از حکم یا قرار) و نهایتاً اجرای حکم، قابل اعمال است (بهداری جهرمی و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۷). در همین راستا، برخی صاحب‌نظران چنین اظهار عقیده کرده‌اند که علنی بودن دادرسی ناظر به دو مقطع از دادرسی مشتمل بر جریان دادرسی و نتیجه دادرسی می‌شود. تضمین اصل علنی بودن در جریان دادرسی موجد شرایطی است که در آن طرفین به راحتی ادعاها و دفاعیات خود را بیان کنند و در مرحله صدور رأی یا نتیجه دادرسی، رعایت این اصل موجب تضمین کارکرد اصل تقابلی (تناظری) بودن دادرسی به عنوان تضمین بنیادین دادگستری صحیح و شایسته خواهد شد (محسنی، ۱۳۸۸: ۲۳۸-۲۴۱). تنها غیرعلنی بودن مقطع تحقیقات مقدماتی (که فقط در برخی کشورها مانند فرانسه وجود دارد) و شور بین قضات (در فرض تعدد قضات) موجه و قابل دفاع است. دادرسی به عنوان یک فرایند رسمی باید در روزها و ساعات اداری انجام پذیرد؛ بنابراین، اگر دادرسی در روز تعطیل برگزار شده باشد، علنی محسوب نخواهد شد ولو این‌که

جمعی در آن حضور یافته باشند و یا دادگاه، برگزاری دادرسی در چنین روزی را از قبل اعلان کرده باشد. از سوی دیگر، دادرسی باید در اتاق مخصوصی که برای دادگاه آماده شده است، انجام شود و جایز نیست دعوا در محل دیگری بررسی شود؛ بنابراین، اگر رسیدگی به دعوا در غیر از محل اختصاصی دادگاه، ولو با حضور عده‌ای از افراد، صورت گرفته باشد، دادرسی علنی محسوب نخواهد شد (وزیر نظامی، ۱۳۲۱: ۳۰۸). از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، دادرسی در صورتی واجد وصف علنی خواهد بود که عموم مردم امکان کسب اطلاع نسبت به زمان و مکان برگزاری آن داشته باشند و محل برگزاری دادرسی نیز به سهولت در دسترس عموم باشد. این شرایط در صورتی محقق می‌شود که دادرسی در محل مخصوص دادگاه برگزار شود به نحوی که فضای کافی برای حضور تماشاگران مهیا باشد. برگزاری دادرسی در محلی خارج از دادگاه (به‌ویژه در محلی نظیر زندان) که عموم مردم اصولاً دسترسی به آن ندارند، مانع جدی نسبت به خصیصه علنی دادرسی محسوب می‌شود (۲۰۰۰: ۷، *Riepan v. Austria*). علنی بودن دادرسی مستلزم آن است که تماشاچی بتواند در دادگاه حضور داشته باشد؛ یعنی عموم مردم حق حضور در دادرسی را داشته باشند (مهرپور، ۱۳۷۳: ۲۱۵) و بتوانند از چگونگی اجرای عدالت آگاهی یابند (رزاقی، ۱۳۸۹: ۹۶). مطابق یک دیدگاه، صرف عدم ممانعت از حضور اشخاص در جلسات دادرسی به معنای علنی بودن دادرسی است (خالقی، ۱۳۸۳: ۳۲). با این حال، در تفسیری وسیع‌تر از اصل علنی بودن محاکم، افراد جامعه می‌توانند در جلسات دادگاه حاضر شوند، صحنه قضاوت را از نزدیک تماشا کنند، اظهارات طرفین را بشنوند، از جریان دادرسی به‌طور کامل آگاه شوند و آن را ارزیابی کنند و بلافاصله بعد از صدور حکم، به آن دسترسی داشته باشند (قربانی و موحدی، ۱۳۹۲: ۳۰۵). به‌طور کلی، در بیان مفهوم این اصل دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه سنتی قائل به تفسیر مضیق اصل بوده و صرفاً عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در دادرسی را به‌منزله رعایت اصل علنی بودن دادرسی می‌داند. دیدگاه جدید اتخاذشده در برخی کشورها این است که صرف امکان حضور فیزیکی را معیار علنی بودن دادرسی نمی‌دانند بلکه با تصویب مقررات جدید در این زمینه همانند قوانین دسترسی الکترونیکی و آنلاین به دادرسی‌ها (که در برخی از ایالت‌های آمریکا و کانادا به تصویب رسیده است)، راه دسترسی به دادرسی را برای عموم و رسانه‌ها باز کرده و به این ترتیب، مفهوم علنی بودن را از محدوده صرف حضور خارج کرده‌اند. این دیدگاه همان تفسیر موسع از اصل علنی بودن دادرسی است (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۷۱). هنگامی که از جریان وبسایت استفاده

می‌شود جامعه می‌تواند آنچه را که از دادگاه می‌داند، بررسی کند و ببیند که در هنگام مدیریت قانون، سیستم قضایی واقعاً چه می‌کند (اقمشه و سلمان پور، ۱۳۹۴: ۱۲۰). اصل علنی بودن دادرسی وصف دمکراتیک دادرسی را عینیت می‌بخشد و دارای دو معناست؛ در معنای اول، هرکس می‌تواند در اتاق دادگاه حاضر شده و از روند دادرسی مطلع شود. در معنای دوم، رأیی که صادر می‌شود باید در اختیار عموم قرار گیرد و مردم بتوانند از نتیجه کار دستگاه قضایی مطلع شوند و به ارزیابی اعتبار و مشروعیت آن بپردازند (غمامی و محسنی، ۱۳۸۵: ۲۸۳). تضمین علنی بودن نتیجه دادرسی (رأی دادگاه) و در دسترس بودن آن برای عموم، از منطوق اصل ۱۶۵ قانون اساسی دریافت نمی‌شود لیکن علاوه بر استنباط ضرورت علنی بودن نتیجه رأی از واژه «محاکمات»، از عموم و شمول اصل علنی بودن دادرسی نیز می‌توان به ضرورت تضمین این اصل در مرحله نتیجه دادرسی پی برد. (محسنی، ۱۳۸۸: ۲۴۱) از طرف دیگر، بر اساس اصل آزادی مطبوعات (اصل بیست و چهارم قانون اساسی) و لزوم تأمین آزادی بیان در صدا و سیما (اصل یکصد و هفتاد و پنجم)، انتشار اخبار دادگاه جایز است (امیدی و نکویی، ۱۳۸۷: ۲۹). از دید این نوشتار، ایجاد امکان نظارت عمومی بهترین راه برای مقابله با سوءاستفاده از اختیارات قضایی است. از آنجا که افراد کمی ممکن است در جامعه زمان کافی و یا تمایل داشته باشند که شخصاً در دادگاه حاضر شوند، اصل عدالت علنی ایجاب می‌کند که به مطبوعات یا نشریات تخصصی حقوقی اجازه داده شود تا به جای مردم در جلسات دادرسی حاضر شده و از آنچه در دادگاه‌ها می‌گذرد، گزارش تهیه کنند. بر اساس اصل علنی بودن دادرسی است که دادگاه‌ها حق دسترسی به سوابق و مدارک موجود را به مطبوعات می‌دهند. در ارتباط با پوشش خبری دادگاه‌ها، قوانین می‌بایست قویاً از اصل عدالت علنی پاسداری کنند، زیرا بایستی اذعان داشت که عدالت محقق نمی‌شود مگر آنکه اجرای عدالت دیده شود (Robertson, ۲۰۰۷: ۱۱۳).

۷. استثنائات اصل علنی بودن دادرسی

عوامل اخلاقی، نظم عمومی، امنیت ملی و اقتضائات و مصالح زندگی خصوصی افراد، از جمله عوامل تحدیدکننده حق علنی بودن رسیدگی است (Synmonides, ۲۰۰۲: ۸۵). به‌طور کلی، چهار عامل مشترک تقریباً در تمام سیستم‌های حقوقی مانع از اجرای اصل علنی بودن دادرسی می‌شود. یکی از محدودیت‌های اصلی، ضرورت رعایت حریم خصوصی طرفین

دعواست که در صورت تأیید قاضی، مانع از اجرای اصل علنی بودن می‌شود. محدودیت دیگر در دسترسی به اطلاعات قضایی، رعایت نظم دادرسی است، زیرا به‌ویژه در جلسه دادرسی، گاهی حضور مردم یا رسانه‌ها ممکن است موجب اختلال و بی‌نظمی در رسیدگی شود. همچنین، رعایت نظم عمومی از دیگر مفاهیم بنیادینی است که می‌تواند موجب غیرعلنی بودن دادرسی شود لیکن این مفهوم مبهم است و هیچ‌گاه مصادیق آن به‌طور مشخص تعیین نشده است. لذا، تشخیص مغایرت با نظم عمومی بر عهده قاضی است. در نهایت، اخلاق حسنه نیز از جمله محدودیت‌های وارده بر اصل علنی بودن دادرسی است که به نوبه خود، چهره‌ای از نظم عمومی به شمار می‌رود. با آنکه منظور نهایی اخلاق، ساختن انسانی منزه و پارسا است و حقوق، برقراری عدالت و برابری را در نظر دارد، لیکن نظام حقوقی هیچ‌گاه بی‌نیاز از اخلاق نبوده و ناگزیر از رعایت برخی قواعد اخلاقی است. به این ترتیب، اخلاق حسنه یکی از محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات قضایی تلقی شده است (اقمشه و سلمان پور، ۱۳۹۴: ۱۲۶). در نظام حقوقی فرانسه پذیرفته شده است که محرمانه بودن جلسه مذاکرات شفاهی در برخی دعاوی ضروری و مطلوب است و گاه نفع خود اصحاب دعوا نیز می‌تواند ایجاب کند که جلسه دادرسی به‌طور غیرعلنی برگزار شود. مواد ۲۲ و ۴۳۳ از قانون آ.د.م. فرانسه استثنای اصل علنی بودن دادرسی را تعیین کرده است. برخی از این استثنایا جنبه اجباری دارند؛ برای مثال در ماده ۴۳۴ همین قانون اشاره شده است که رسیدگی به امور حسبی بایستی به صورت غیرعلنی باشد^۱ و در زمینه طلاق و مفارقت جسمانی (مواد ۲۴۸ و ۲۹۸ قانون مدنی فرانسه) نیز، تخصیص اصل ضروری تلقی شده است. در برخی موارد دیگر، استثنایا جنبه اختیاری دارند و اتخاذ تصمیم مبنی بر غیرعلنی بودن جلسه بر عهده قاضی است که این استثنایا در ماده ۴۳۵ قانون آ.د.م. مورد اشاره قرار گرفته‌اند^۲ (۲۰۱۰: ۵۲۳؛ Guinchard, Chainais & Ferrand, ۲۰۱۰: ۱۳۹۱؛ کوشه، ۲۰۱۰: ۲۸۹). در نظام حقوقی ایران، ضرورت علنی بودن دادرسی در اصول ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته و در اصل ۱۶۵، استثنایایی بر اصل علنی بودن محاکمات وارد شده است که عبارت‌اند از: مواردی که علنی بودن دادرسی منافی با عفت عمومی یا نظم عمومی باشد و در دعاوی خصوصی، اگر

۱. ماده ۴۳۴ قانون آ.د.م. فرانسه: «در امور حسبی تقاضا به‌طور غیرعلنی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد».

۲. ماده ۴۳۵ قانون آ.د.م. فرانسه: «دادرسی می‌تواند تصمیم بگیرد که مذاکرات به‌طور غیرعلنی انجام شود یا ادامه یابد اگر علنی بودن آن به زندگی خصوصی لطمه وارد کند یا تمامی طرف‌ها چنین تقاضایی کنند یا این که موجب نوعی بی‌نظمی شود که باعث اختلال در عملکرد دادگستری شود».

طرفین دعوا تقاضا کرده باشند که دادرسی به صورت غیرعلنی باشد. تشخیص مغایرت علنی بودن دادرسی با نظم عمومی یا عفت عمومی بر عهده دادگاه خواهد بود (شمس، ۱۳۹۰: ۱۴۵). در برخی دعاوی مانند اثبات نسب یا مطالبه خسارت معنوی ناشی از رابطه نامشروع، ممکن است علنی بودن دادرسی با نظم عمومی یا عفت عمومی مغایر تشخیص داده شود و در دعاوی راجع به اسرار تجاری، درخواست اصحاب دعوا مبنی بر غیرعلنی بودن دادرسی باید پذیرفته شود. به نظر می‌رسد دادرسی علنی حق مطلق طرفین دعوا نیست که بخواهند در هر شرایطی آن را اعمال یا محدود کنند بلکه حتی اگر طرفین بخواهند چنین حقی را محدود کنند، با توجه به اینکه چنین اصلی مبانی اجتماعی و ریشه در تضمین حقوق شهروندی و شفافیت قضایی دارد، موافقت دادگاه در این خصوص لازم به نظر می‌رسد. اصولاً تقاضای غیرعلنی بودن دادرسی باید طرفینی باشد لیکن از آنجا که علنی بودن دادرسی حقی برای هر دو طرف دعواست، صرف تقاضای یکی از طرفین مبنی بر سری بودن دادرسی، جهت بررسی و ورود دادگاه به مسئله علنی یا سری بودن دادرسی کفایت می‌کند و نیازی به جلب رضایت طرف مقابل نیست، زیرا اهمیت موضوعات در رابطه با طرفین دعوا نسبی است. برای مثال، ممکن است یک طرف دعوا بنگاه تجاری باشد که در برابر دعوایی واهی قرار گرفته و با علنی شدن موضوع ممکن است به منافع او لطمات غیر قابل جبرانی وارد شود و طرف دیگر صرفاً یک مشتری عادی محصول باشد که در نظر وی، برگزاری علنی یا غیرعلنی دادرسی اهمیتی نداشته باشد یا حتی دادرسی علنی مورد سوءاستفاده او برای ایراد لطمه به منافع تجاری طرف مقابل قرار گیرد. ماده ۳۵۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز استثناهایی را در این باب مقرر کرده است که بررسی آن‌ها از جهت امکان اخذ وحدت ملاک، مفید به نظر می‌رسد. مطابق این ماده، در جرائم قابل گذشت، بنا به درخواست طرفین یا شاکی، دادرسی غیرعلنی خواهد بود. به علاوه، در امور خانوادگی، جرائم منافی عفت یا اخلاق حسنه و در مواردی که علنی بودن مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد، دادگاه پس از اخذ نظر دادستان، قرار مبنی بر غیرعلنی بودن محاکمه صادر می‌کند. از جمله امور خانوادگی می‌توان به دعاوی طلاق اشاره کرد. در دعوایی مانند تقسیم ملک مشاع در صورتی که حساسیت‌های منطقه‌ای یا قومی در میان باشد و علنی برگزار کردن دادرسی موجب برهم خوردن نظم عمومی شود، به نظر می‌رسد دادرسی بتواند جلسه را به‌طور غیرعلنی برگزار کند. از نظر برخی محققان، استثناهای مقرر اصولاً قابل توجیه است اما اصطلاح نظم عمومی به عنوان یکی

از استثناهای دارای مفهومی مبهم و وسیع است که نظر دادگاه را پیرامون محدوده اصل علنی بودن دادرسی تحت الشعاع قرار می‌دهد. از طرف دیگر، هدف از علنی بودن دادگاه‌ها نظارت مردم و افکار عمومی بر جریان دادرسی به منظور جلوگیری از انحراف دستگاه قضایی است. لذا، به‌جز مواردی که قانون اساسی مستثنا کرده است، هیچ مانع و محدودیت دیگری بر اصل علنی بودن دادرسی نباید وارد باشد حال آنکه در قانون آیین دادرسی کیفری، استثناهای دیگری نیز بر این اصل وارد شده است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۰۸). البته ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری اضافه کرده است که صرف برهم خوردن نظم دادگاه به وسیله متهمین یا اشخاص دیگر موجب غیرعلنی بودن دادرسی نمی‌شود و این نشان از توجه خاص قانون‌گذار کیفری نسبت به این اصل دارد. مع‌هذا، بیان مفاهیم کلی و اعطای اختیار اتخاذ تصمیم به قاضی زمینه‌ساز اعمال نظر و سلیقه شخصی قاضی می‌شود و این وضعیت مخل به مبانی اصل علنی بودن دادرسی به نظر می‌رسد. مع‌هذا، این ایراد در صورت تأکید قانون‌گذار بر لزوم صدور قرار سری بودن دادرسی با ذکر توجیه و دلایل به صورت علنی تا حدودی مرتفع می‌شود (وزیر نظامی، ۱۳۳۱: ۳۰۴). در هر حال، تشخیص ضرورت غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی به عهده دادگاه است (Reid, ۲۰۰۴: ۹). اشکالی که در این خصوص به نظر می‌رسد این است که قانون‌گذار حد میانه‌ای در نظر نگرفته است، زیرا ممکن است در یک دادرسی ضرورت داشته باشد که برخی موارد به‌طور سری و برخی موارد به صورت علنی رسیدگی شوند. بهتر بود که قانون‌گذار اختیار سری اعلام کردن بخشی از دادرسی را نیز به دادرس اعطا می‌کرد لیکن از مواد قانونی موجود چنین استنباط می‌شود که اعمال یا محدودیت این اصل بر مبنای علل قانونی، یا تمام مراحل دادرسی را شامل می‌شود و یا هیچ‌یک از مراحل دادرسی را شامل نمی‌شود. به علاوه، در مواد قانونی موجود، محدوده استثنائات بیان نشده و معلوم نیست که آیا این استثناهای در مرحله اعلان رأی نیز جاری می‌شود یا خیر؛ که اعتقاد مقاله حاضر بر عدم جریان استثناهای در مرحله اعلان رأی است. مطابق اصل بیستم سند اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، استثناهای اصل علنی بودن دادرسی مشتمل بر مواردی است که ضرورت اجرای عدالت، رعایت نظم عمومی یا حفظ حریم خصوصی افراد، اقتضای غیرعلنی بودن دادرسی را داشته باشد (رزاقی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). همچنین، در بند یک ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، استثناهایی بر اصل علنی بودن دادرسی وارد شده است، از جمله مصالح جوانان و یا رسیدگی به اختلافات زناشویی. انتقادی که برخی بر این بند از میثاق وارد کرده‌اند

این است که در بسیاری از دعاوی، هرگاه طرفین دعوا توأمان خواستار غیرعلنی بودن دادرسی یا عدم انتشار رأی باشند، انتشار رأی می‌تواند با منافع طرفین دعوا در تضاد باشد و اساساً فلسفه رجوع به برخی شیوه‌های حل اختلاف را از بین ببرد. برای مثال، در دعاوی بین تجار معمولاً طرفین خواستار حفظ اسرار و نیز اعتبار خود در عرصه تجاری هستند و از همین رو، تمایل زیادی به حل و فصل اختلاف از طریق داوری نشان می‌دهند، زیرا فرایند داوری محرمانه و غیرعلنی است (رزاقی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). در پاسخ به این ایراد، این نوشتار معتقد است که اصل علنی بودن دادرسی حق مطلق طرفین دعوا نیست، زیرا اگر دادرسی منصفانه را به عنوان مبنای اصل علنی بودن دادرسی قابل تحدید از جانب طرفین بدانیم، مبنای دیگر این اصل از قبیل لزوم شفافیت قضایی و تضمین حقوق شهروندی اقتضا می‌کند که طرفین صرفاً حق تقاضای غیرعلنی بودن جریان دادرسی را داشته باشند و محاکم بر اساس موضوع مطروحه و پس از بررسی جوانب امر، مسئله را به صورت غیرعلنی رسیدگی کنند. قسمت اخیر بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز مقرر می‌دارد که دادگاه می‌تواند در موارد استثنایی رسیدگی را غیرعلنی اعلام کند؛ به این ترتیب که دسترسی مطبوعات و مردم به دادرسی، به‌طور کلی یا جزئی، در جهت رعایت اخلاق، نظم عمومی یا منافع ملی در یک جامعه دموکراتیک یا هنگامی که منافع صغار و یا حمایت از زندگی خصوصی طرفین دعوا اقتضا دارد یا در مواردی که دادگاه تشخیص دهد در اوضاع و احوال خاصی علنی بودن دادرسی واجد امکان آسیب رساندن به منافع فردی یا عمومی است، قابل تحدید است. استثناهای یاد شده محدود به جریان رسیدگی و مذاکرات مطروحه در دادگاه است و قابل تسری به اعلام عمومی حکم نخواهد بود زیرا در این زمینه، هرگونه محدودیت، حتی اگر ضمنی باشد، رد شده است (یاوری، ۱۳۸۳: ۲۸۳).

۸. ضمانت اجرای اصل علنی بودن دادرسی مدنی

در حقوق فرانسه، ماده ۴۴۶ قانون آ.د.م. ضمانت اجرای اصل علنی بودن دادرسی را بطلان رأی اعلام کرده است با این قید که ایراد به عدم رعایت مقررات بایستی تا قبل از ختم مذاکرات از سوی اصحاب دعوا مورد استناد واقع شده باشد. لذا، ادعای بطلان را نمی‌توان بعداً به دلیل عدم رعایت این قواعد مطرح کرد. به علاوه، اگر ایراد قبل از ختم مذاکرات مطرح نشده باشد، مرجع عالی رأی را مستند به عدم رعایت اصل علنی بودن اعلام کند.

نقض مقررات راجع به علنی بودن دادرسی باید توسط یکی از اصحاب دعوا به عنوان ایراد تا قبل از ختم مذاکرات مطرح شده باشد^۱ (Guinchard, Chainais & Ferrand, ۲۰۱۰: ۵۲۳). در حقوق ایران، علیرغم اشاره به اصل علنی بودن دادرسی در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری، این اصل در قانون آیین دادرسی مدنی مسکوت باقی مانده و باید دید که در شرایط فعلی، دادرس برای استناد به این اصل از کدام مستندات قانونی می‌تواند استفاده کند. در وهله بعد، باید بررسی شود که در صورت تخلف قاضی از چنین اصلی در امور مدنی، چه ضمانت اجرایی برای این تخلف در نظام قانونی ایران وجود دارد؟ در پاسخ به سؤال نخست، به نظر می‌رسد که دادرس باید با لحاظ اصل علنی بودن محاکمات در قانون اساسی و با اخذ وحدت ملاک از مقررات قانون آیین دادرسی کیفری، اصل علنی بودن دادرسی را در امور مدنی نیز مراعات کند. نکته مهم دیگری که کمتر به آن اشاره شده، این است که ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیوسته است و با توجه به اصل ۷۷ قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی، مفاد ماده ۱۴ سند یاد شده مبنی بر لزوم علنی بودن دادرسی به عنوان بخشی از قوانین موضوعه ایران تلقی شده و لازم‌الاجرا است (خدری، ۱۳۹۴: ۵۲۰). حال سؤال این است که چنانچه اصل علنی بودن در دادرسی مدنی نقض شود، چه تضمین قانونی در پس آن وجود دارد و در صورت تخطی از این اصل، طرفین چه راهکاری در اختیار خواهند داشت؟ آیا اصحاب دعوا می‌توانند تشخیص دادگاه در خصوص ضرورت علنی یا سری بودن دادرسی را مستند قرار داده و به این جهت، فسخ یا نقض رأی صادره را درخواست کنند؟ در حقوق فرانسه، با توجه به اینکه اصل علنی بودن از اصول راهبردی دادرسی مدنی است؛ تخلف از این اصل در صورتی که تا قبل از ختم مذاکرات شفاهی توسط یکی از طرفین مورد استناد قرار گیرد، موجب بطلان و بی‌اعتباری رأی می‌شود، هرچند که نقض اصل رأیاً توسط مرجع عالی قابل استناد نیست بلکه ایراد بایستی از سوی طرفین آنهم در محدوده قبل از خاتمه مذاکرات شفاهی مطرح شده باشد. در زمینه رعایت اصل علنی بودن دادرسی، رویه قضایی فرانسه فرض قانونی بودن دادرسی را تأسیس کرده است. بر این اساس، اگر رأی متضمن بیان این نکته باشد که دادگاه به صورت علنی برگزار شده است، برای اثبات علنی بودن مجادلات کافی خواهد بود (Guinchard, ۱۹۹۹: ۴۱۸).

۱. ماده ۴۳۷ قانون آ.د.م. فرانسه: «... اگر جلسه رسیدگی به شکل قانونی خود ادامه یابد، در خصوص جریان داخلی آن به هیچ‌گونه بطلانی که بعداً اعلام می‌شود، حتی رأیاً نمی‌توان استناد کرد.»

دیوان اروپایی حقوق بشر به بحث جبران خسارت ناشی از نقض حق برخورداری از دادرسی علنی وارد شده و در خصوص جبران خسارات مالی با این استدلال که دیوان نمی‌تواند نتیجه دادرسی را در فرض علنی بودن دادرسی ارزیابی کند، ادعای خواهان را مردود اعلام کرده لیکن در خصوص جبران خسارت غیرمالی (معنوی)، اعلام کرده است که صرف احراز تخلف (نقض بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) فی‌نفسه برای جبران خسارات مزبور کافی خواهد بود (Riepan v. Austria, ۲۰۰۰:۱۲). در باب ضمانت اجرای اصل علنی بودن دادرسی در حقوق ایران اختلاف نظر وجود دارد؛ به این صورت که برخی با توجه به عدم تصریح به این اصل در قانون آ.د.م، هیچ‌گونه ضمانت اجرایی برای آن قائل نبوده و در حقیقت، معتقد به متروک شدن این اصل در دادرسی مدنی هستند. در بادی امر، ممکن است چنین نظر داده شود که با توجه به عدم تعیین ضمانت اجرا در قانون، چنانچه مقام قضایی اصل علنی بودن دادرسی را مراعات نکند؛ عمل وی بر اساس مقررات قانون نظارت بر رفتار قضات، صرفاً نوعی تخلف انتظامی محسوب شده و موجب تعقیب انتظامی است لیکن از آنجا که اصل علنی بودن دادرسی، تضمینی برای قضاوت شوندگان شمرده می‌شود تا در پرتو نوعی کنترل افکار عمومی، به‌طور شفاف مورد قضاوت قرار گیرند، می‌توان آن را از جمله اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوا به درجه‌ای از اهمیت به شمار آورد که رأی را از اعتبار قانونی بیندازد و موجب نقض رأی در مرحله فرجامی شود (بند ۳ ماده ۳۷۱ قانون آ.د.م.) یا بر مبنای بند هـ ماده ۳۴۸ همان قانون و تحت عنوان عدم رعایت موازین قانونی، نقض اصل علنی بودن دادرسی می‌تواند از جهات درخواست تجدیدنظر تلقی شود که در این صورت، نقض رأی توسط مرجع عالی قابل دفاع به نظر می‌رسد (شمس، ۱۳۹۰:۱۴۵). در عین حال، می‌توان نقض رأی بر مبنای عدم رعایت اصل علنی بودن دادرسی را موکول به ایراد اصحاب دعوا در جریان دادرسی و استناد به آن در مراحل بالاتر دانست.

فرجام سخن

شفافیت در نظام حاکمیتی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های گسترش اعتماد عمومی است. نظارت افکار عمومی بر عملکرد دادگستری از طریق اجرای اصل علنی بودن دادرسی، در تحقق حاکمیت قانون، حفظ بی‌طرفی قضات و ممانعت از استبداد قضایی تأثیر اساسی دارد. صیانت از

حقوق اصحاب دعوا، کاهش دعاوی، عدالت درمانی، پایش مشروعیت سیستم قضایی، کمک به شکل‌گیری فرهنگ و آموزش حقوقی و به تبع آن، ایجاد امنیت حقوقی در جامعه و در نهایت، ایجاد رویه قضایی واحد و منسجم، از جمله ثمرات ناشی از رعایت اصل علنی بودن دادرسی است. لذا، زیرساخت‌های قانونی و فیزیکی برای حضور مردم در محاکم بایستی فراهم شود. با این همه، اجرای مطلق اصل بدون توجه به استثناهای آن که عمدتاً مبتنی بر دو محور نظم عمومی و حریم خصوصی هستند، می‌تواند تالی فاسد به همراه داشته باشد. این استثناها در متون قانونی مربوطه به صورت مبهم و کلی بیان شده‌اند و چنین وضعی زمینه‌ساز اعمال سلاخی شخصی در محاکم می‌شود. از سوی دیگر، محدود کردن نایب‌الاجرای دادرسی علنی سبب می‌شود تا زمینه تحقق شفافیت قضایی و نظارت مردمی از بین برود. علیرغم اشاره به اصل علنی بودن دادرسی در اسناد مهم بین‌المللی همچون سند اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هیچ اثری از این اصل در قانون فعلی آیین دادرسی مدنی ایران یافت نمی‌شود لیکن با توجه وصف بنیادین اصل، فرض حکیم بودن مقنن و سابقه موجود در قوانین قبلی و با استناد به مفاد اصل ۱۶۵ قانون اساسی و وحدت ملاک ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و با لحاظ الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در نهایت می‌توان حاکمیت اصل علنی بودن بر دادرسی مدنی را نیز اثبات کرد. به نظر می‌رسد که در صورت تخلف از مفاد اصل، علاوه بر وقوع تخلف انتظامی و امکان تعقیب انتظامی قاضی متخلف، رأی صادره در معرض نقض از سوی مراجع عالی خواهد بود. مع‌هذا، پذیرش این ضمانت اجرا از سوی رویه قضایی به لحاظ سکوت قانون‌گذار با تردید جدی مواجه بوده و شایسته است مقنن همانند آنچه در قانون فرانسه مقرر شده است، ضمن تصریح به مفاد اصل علنی بودن دادرسی در قانون، ضمانت اجرای اصل و شرایط اعمال آن را به روشنی تبیین کند.

منابع

الف. فارسی

- امیدی، جلیل و سمیه نیکویی (۱۳۸۷) «تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری»، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، شماره ۵۸، صص ۳۸-۲۳.
- اقمشه، علیرضا و امیر سلمان پور (۱۳۹۴) «حق دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی (با مطالعه

- تطبیقی در ایران، فرانسه و آمریکا»، *علوم اجتماعی، علوم خبری*، شماره ۱۵، صص ۱۴۱-۱۱۷.
- انصاری، باقر (۱۳۹۰) «مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی»، *فصلنامه پژوهش حقوق*، ۱۳، شماره ۳۵، صص ۲۶۹-۳۰۸.
- بهادری جهرمی، علی و سیده لطیفه حسینی (۱۳۹۳) «اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی»، *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۳، شماره هفتم، صص ۳۲-۹.
- پرو، روزبه (۱۳۸۴) *نهادهای قضایی فرانسه*، ترجمه شهرام ابراهیمی و تدین، عباس، کوشکی، غلامحسین تهران: سلسبیل.
- جاوید، محمدجواد و عصمت شاهمرادی (۱۳۹۴) «تعهد رسانه در قبال شفافیت قضایی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۱۷، شماره ۴۷، صص ۳۳-۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸) *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۴، تهران: گنج دانش.
- حبیب‌نژاد، سید احمد؛ عامری، زهرا (۱۳۹۵) «شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی (با تأکید بر حکومت علوی)»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۱۳، شماره ۴۹، صص ۱۲۹-۱۵۷.
- حجتی کرمانی، علی (۱۳۶۹) *سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ*، تهران: مشعل دانشجو.
- خالقی، علی (۱۳۸۳) «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی»، *شهر دانش*، ۳، شماره ۵، صص ۲۹-۴۹.
- خدری، صالح (۱۳۹۴) «دادرسی منصفانه در داوری تجاری بین‌المللی»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۶، شماره ۲، صص ۵۱۹-۵۴۰.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۱۰، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- رزاقی، کیانوش (۱۳۸۹) «استانداردهای دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام قضایی ایران»، *مجله کانون*، شماره ۱۰۵، صص ۱۱۷-۸۵.
- کوشه، ژرار (۱۳۹۱) *آیین دادرسی مدنی فرانسه*، ترجمه سید احمدعلی هاشمی، تهران: دادگستر.
- ساریخانی، عادل و روح‌الله اکرمی سراب (۱۳۹۲) «کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۸۲، صص ۹۱-۱۱۶.

شمس، عبدالله (۱۳۹۰) **آیین دادرسی مدنی**، ج ۲، تهران، انتشارات دراک.
غمامی، مجید و حسن محسنی (۱۳۸۵) «اصول تضمین کننده عملکرد دموکراتیک در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی های دادرسی مدنی»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)**، شماره ۷۴، صص ۲۹۶-۲۶۵.

فضائلی، مصطفی (۱۳۹۳) «جایگاه و اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکتین قضایی اسلام»، **پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، شماره ۱، صص ۱۷۸-۱۵۹.
قربانی، علی و جعفر موحدی (۱۳۹۲) «مطالعه تطبیقی دیدگاه حقوقی اروپایی با دیدگاه حقوقی اسلامی فقه و اصول»، **فقه اهل بیت**، شماره ۷۵ و ۷۶، صص ۲۹۶-۳.
محسنی، حسن (۱۳۸۸) **اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی**، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.
محسنی، حسن (۱۳۹۵) **آیین دادرسی مدنی فرانسه**، جلد نخست، تهران: شرکت سهامی انتشار.

معین، محمد (۱۳۸۸) **فرهنگ معین**، تهران: رفاه.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴) **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: میزان.
مهر پور، حسین (۱۳۷۳) «ضمانت اجراهای قانونی در حقوق ایران در زمینه رعایت حقوق بشر»، **مجله راهبرد**، شماره ۴، صص ۲۲۳-۲۰۷.
وزیر نظامی، محمد (۱۳۲۱) «در اطراف جلسات دادرسی حقوقی»، **مجموعه حقوقی**، شماره ۲۴۹، صص ۳۰۸-۳۰۲.

نهج البلاغه (۱۳۷۹) ترجمه محمد دشتی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.

یاوری، اسدالله (۱۳۸۳) «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، **مجله حقوق اساسی**، شماره ۲، صص ۲۹۰-۲۵۳.

ب. عربی

اردبیلی، ملا احمد (۱۴۱۴) **مجمع الفائدة و البرهان**، بیروت: موسسه النشر الاسلامی.
باقر الموسوی، محسن (۱۴۱۹) **القضاء الیغنام القضایی عندالإمام علی (ع)**، بیروت: الغدیر.
تمیمی مغربی، ابو حنیفه نعمان بن محمد (۱۳۸۵) **دعائم الاسلام**، چاپ دوم، قم: موسسه آل

البيت (ع).

حسينى عاملى، سيدجواد (بى تا) **مفتاح الكرامه فى شرح قواعد العلامه**، بيروت: دار احياء التراث العربى.

قلعه جى، محمد رواس (۱۴۰۲ ق) **موسوعه فقه على بن ابى طالب**، بيروت: دارالمعرفه.
نجفى، محمد حسن (بى تا) **جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام**، بيروت: دار احياء التراث العربى.

ج. انگليسى

Andrews, Neil (۲۰۱۲) **Fundamental Principles of Civil Procedure**, The Hague, T.M.C. Asser Press.

Baker, William H; H. Lon Addams & Brian Davis (۲۰۰۵) "Critical Factors for Enhancing Municipal Public Hearings", **Public Administration Review**, Vol. ۶۵, No. ۴, pp. ۴۹۰-۴۹۹.

Bodnár, Eszter (۲۰۱۶) "Transparency and Openness of Courts in the ۲۱st Century. An Issue Worth Researching on", **Iuris Dictio; Revista de Derecho**, ۱۸, pp. ۱۵۳-۱۶۴.

Bogdandy, Armin von & Ingo Venzke (۲۰۱۲) "In Whose Name? An Investigation of International Courts Public Authority and its Democratic Justification", **The European Journal of International Law**, Vol. ۲۳, No. ۱, pp. ۷-۴۱.

Cameron, Jamie (۲۰۰۳) "Victim Privacy and the Open Court Principle", Policy Center for Victims Issues, Research and statistic Division, Canada. Available at: http://www.justice.gc.ca/eng/rp-pr/cj-jp/victim/rr۰۳_vic\rr۰۳_vic\pdf

Doebbler, Curtis (۲۰۰۶) **Introduction to International Human Rights Law**, CD Publishing.

Garner, Bryan A. (۱۳۸۸) **Black's Law Dictionary**, Mizan Pub.

OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR) (۲۰۱۲) **Legal Digest of International Fair Trial Rights**, Available at: <https://www.osce.org/odihr/۹۴۲۱۴?download=true>

Herrero, Alvaro & Gaspar Lopez (۲۰۱۰) "Access to Information and Transparency in the Judiciary", Working Paper, World Bank

- Institute.
- Kojima, Takeshi (۱۹۹۰) "Civil Procedure Reform in Japan", **Michigan Journal of International Law**, Vol. ۱۱, Issue ۴, pp. ۱۲۱۸-۱۲۳۴.
- McLachlin, Beverley (۲۰۱۴) "Openness and the Rule of Law", Annual International Rule of Law Lecture, January ۸, ۲۰۱۴, London, United Kingdom, Available at: https://www.barcouncil.org.uk/media/۲۷۰۸۴۸/jan_۸_۲۰۱۴_-_۱۲_pt._rule_of_law_-_annual_international_rule_of_law_lecture.pdf
- Reid, Karen (۲۰۰۴) **A Practitioner's Guide to the European Convention on Human Rights**, Sweet and Maxwell.
- Reuben, Richard C. (۲۰۰۰) "Constitutional Gravity: A Unitary Theory of Alternative Dispute Resolution and Public Civil Justice", ۴۷ **UCLA Law Review** ۹۴۹, pp. ۹۴۹-۱۱۰۴.
- Riepan v. Austria (۲۰۰۰) European Court of Human Rights, Available at: <https://www.legal-tools.org/doc/c۰۰ef۰/pdf/>
- Robertson QC, Geoffrey (۲۰۰۷) The Media and Judicial Corruption, in: *Global Corruption Report ۲۰۰۷; Corruption in Judicial Systems*, Transparency International, Cambridge University Press, pp. ۱۰۸-۱۱۰. Available at: http://siteresources.worldbank.org/INTLAWJUSTINST/Resources/gcr۰۷_complete_final.pdf
- Symonides, Janusz (۲۰۰۲) **Human Rights: Concept and Standards**, UNESCO Publishing.

د. فرانسه

- Fricero, Natalie (۲۰۰۹) **L'essentiel de la procedure civile**, ۶^e édition, Lextenso éditions, Paris.
- Guillien, Raymond et Jean Vincent (۲۰۱۰) **Lexique des terms juridiques**, Dalloz, ۱^{ve} edition, Paris.
- Guinchard, Serge (۱۹۹۹) **Nouveau Code de Procédure Civile**, Première édition, Dalloz, Paris.
- Guinchard, Serge; Cécile Chainais & Frédérique Ferrand (۲۰۱۰) **Procédure Civile**, ۳^e édition, Dalloz, Paris.

- Matringe, Eve (۲۰۱۱) La dialectique entre vie privée et publicité de la procédure en matière familiale, HAL Id: hal-۰۰۶۲۹۷۲۴, Disponible sur: <https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-۰۰۶۲۹۷۲۴v۱>
- Mercadal, Barthélemy (۲۰۰۲) “La légitimité du juge”, **Revue Internationale de Droit Comparé**. Vol. ۵۴, No. ۲, pp. ۲۷۷- ۲۹۱.
- Oppetit, Bruno (۱۹۹۹) **Philosophie du Droit**, ۱^{re} edition, Paris, Dalloz.
- Roure, Sandrine (۲۰۰۶) “L’élargissement du principe de publicité des débats judiciaires: une judiciarisation du débat public”, **Revue française de droit constitutionnel**, Vol. ۴, N^o ۶۸, pp ۷۳۷-۷۷۹, Disponible sur: <https://www.cairn.info/revue-francaise-de-droit-constitutionnel-۲۰۰۶-۴-page-۷۳۷.htm>